

بخش اول

کلیات

## فصل اول:

## تعریف و اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری

پرسش‌ها

## ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که:

- (۱) برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری و صلح میان طرفین وضع می‌شود.
- (۲) برای نحوه رسیدگی، صدور رأی و طرق اعتراض به آراء وضع می‌شود.
- (۳) برای تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.
- (۴) همه گزینه‌ها صحیح است.

## ۲- دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و:

- (۱) قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند به صورت یکسان اعمال شود.
- (۲) قوانین آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند به صورت یکسان اعمال شود.
- (۳) مقررات و آیین‌نامه آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند به نسبت جرم ارتكابی اعمال شود.
- (۴) آیین‌نامه و تصویب‌نامه آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتكاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند به نسبت جرم ارتكابی اعمال شود.

## ۳- مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و:

- (۱) استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند.
- (۲) استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در بهترین شکل ممکن رسیدگی و رأی مقتضی صادر نمایند.
- (۳) تحقیقات مقتضی به اتهام انتسابی به اشخاص حقیقی و حقوقی رسیدگی و حکم مقتضی صادر نمایند.
- (۴) تحقیقات نسبی به جرایم انتسابی به اشخاص حقیقی و حقوقی رسیدگی و تصمیم مقتضی صادر نمایند.

#### ۴- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- ۱) هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم اشخاص جز تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست.
- ۲) هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم اشخاص جز با رعایت مقررات مجاز نیست.
- ۳) هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم اشخاص جز به حکم قانون مجاز نیست.
- ۴) هر سه گزینه صحیح است.

#### ۵- متهم باید در اسرع وقت، از:

- ۱) موضوع و نوع جرم ارتكابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل یا وکلای خود و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.
- ۲) ادله انتسابی و از حق دسترسی به وکیل یا وکلای خود و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.
- ۳) موضوع و اسامی شهود و مطلعین و همچنین از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.
- ۴) موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

#### ۶- چه کسانی باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود؟

- ۱) متهم، بزه‌دیده، شاهد، وکیل، کارشناس و کسانی که به نحوی از ماجرا مطلعند.
- ۲) متهم، بزه‌دیده، بستگان متهم و بزه‌دیده و کسانی که به نحوی از ماجرا مطلعند.
- ۳) متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط.
- ۴) متهم، بزه‌دیده، مطلع، کارشناس، وکیل و کسانی که به نحوی از ماجرا مطلعند.

#### ۷- حفظ حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات:

- ۱) قضایی، اداری، ضابطان دادگستری، مأمورین به خدمات عمومی الزامی است.
- ۲) قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است.
- ۳) اداری، تشکیلاتی، سازمانی و مأمورین به خدمات عمومی الزامی است.
- ۴) اداری، قضایی و مأمورین به خدمات عمومی الزامی است.

**۸- متخلفان از قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی:**

- ۱) علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم می‌شوند.
- ۲) علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات انفصال از خدمت دولتی و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می‌شوند.
- ۳) فقط به مجازات انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.
- ۴) فقط به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند.

**پاسخ سؤال ۱:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
اگر چه قانونگذار سعی داشته که تعریف جامعی از «آیین دادرسی کیفری» بدهد مع الوصف کامل نیست. مثلاً بحثی از صلاحیت مراجع رسیدگی به میان نیامده است.

**پاسخ سؤال ۲:**

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
وقتی در ماده دوم از کلمه «باید» در «قانونی بودن» دادرسی کیفری به میان می‌آید یعنی همانطور که «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» اهمیت دارد باید «دادرسی کیفری» نیز مستند به قانون باشد. قسمت اخیر ماده، مفهوم «عدالت» را به ما آموزش می‌دهد یعنی در رسیدگی نایستی تبعیض قائل شد و ارتکاب جرم از سوی هر شخصی، بایستی طبق قواعد یکسانی مورد رسیدگی قرار گیرد. این روش به اصل «منصفانه بودن دادرسی» نیز مشهود است.

**پاسخ سؤال ۳:**

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
اولاً: بی‌طرفی قاضی - یعنی قاضی در اجرای قانون، فقط به اجرای دقیق آن بیانیدشد و حب و بغض را دخالت ندهد. بدین صورت که به ادله علیه و یا له متهم توجه کند و در رسیدگی منافع بزه‌دیده و جامعه را لحاظ نماید.

ثانیاً: استقلال قاضی - یعنی قاضی در هنگام رسیدگی تحت تأثیر عوامل دیگر قرار نگیرد. در قوه قضائیه بر خلاف قوه مجریه که شخص اول قوه می‌تواند به پایین‌ترین رده خود دستور دهد، قاضی تابع تصمیمات مقامات بالاتر خود نیست و تبعیت او صرفاً از حکم قانون است و بس. بنظر می‌رسد این ویژگی مهمترین خصیصه قاضی باشد و انحراف از آن، تباه‌کننده حقوق مردم است.  
ثالثاً: رسیدگی به جرم بایستی با سرعت اما توأم با دقت باشد. زیرا اگر تعللی صورت گیرد فلسفه اجرای مجازات که تنبیه متهم و ارعاب دیگران و تشفی خاطر مجنی‌علیه است حاصل نمی‌شود. بدیهی است این سرعت در تحقیقات مقدماتی بیشتر لحاظ می‌شود تا دادگاه. زیرا در مرحله تحقیقات مقدماتی، امکان فرار متهم، امحاء آثار جرم، تبانی و امثالهم بیشتر اتفاق می‌افتد.

**پاسخ سؤال ۴:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

اصل برائت یا فرض برائت از اصول مهم دادرسی‌های کیفری است و تا زمانی که اتهام اثبات نشود شخصی که تحت تعقیب قرار گرفته «متهم» نام دارد و فقط با صدور حکم قطعی «محکوم‌علیه» تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، متهم نبایستی برای بی‌گناهی خود دلیل ارائه کند بلکه این دستگاه قضایی است که برای ورود اتهام باید ادله کافی جمع‌آوری کند.

### پاسخ سؤال ۵:

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
اگر چه قواعد آیین دادرسی کیفری امره است و نمی‌توان برخلاف آن تراضی کرد مع‌الوصف قانونگذار در بعضی مواقع از کلمه «باید» و «نباید» برای تأکید مؤکد استفاده می‌کند در این ماده نیز، قانونگذار چنین مقرر کرده که از اولین ساعاتی که متهم تحت تعقیب قرار می‌گیرد بایستی از موضوع اتهام و ادله آن مطلع شود تا بتواند ادله خود را برای رفع اتهام ارائه کند. این تکلیف نه تنها در ماده درباره مقامات قضایی بلکه درباره ضابطان دادگستری نیز مقرر شده است.

### پاسخ سؤال ۶:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
قانونگذار درباره رعایت حقوق افراد ذی‌ربط در موضوع یک اتهام از سه نفر (متهم، بزه‌دیده، شاهد) نام برده است اما افراد جنبه تمثیلی دارد و منحصر به این افراد نیست بلکه مطلع و اعلام‌کننده جرم را در برمی‌گیرد. در هر صورت قانونگذار با ذکر کلمه «ذی‌ربط» اشخاصی را که ربطی به ماجرا ندارد از این قاعده خارج داشته است.

### پاسخ سؤال ۷:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
این سؤال در اجرای «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» است که رعایت مفاد آن از سوی مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند الزامی است.

### پاسخ سؤال ۸:

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
این مجازات در قانون حفظ حقوق شهروندی مقرر شده است.

## فصل دوم: دعوای عمومی و دعوای خصوصی

پرسش‌ها

## ۹- حیثیت عمومی جرم:

- ۱) مطالبه کیفرهایی است که به موجب قانون، حق عمومی بزه‌دیده است، مانند قصاص.
- ۲) از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی است.
- ۳) از جهت غیرقابل گذشت بودن جرایمی که در قانون آیین دادرسی کیفری مشخص شده است.
- ۴) مطالبه مجازات‌هایی است که بدون شکایت شاکی قابل رسیدگی است.

## ۱۰- دعوای عمومی و خصوصی در کدام یک از مباحث زیر مطرح می‌شود؟

- ۱) انتساب جرم به متهم.
- ۲) انتساب ادله و مدارک جرم به متهم.
- ۳) ارتکاب جرم.
- ۴) هیچ کدام صحیح نیست.

## ۱۱- تعریف شاکی در کدام یک از گزینه‌های زیر آمده است؟

- ۱) هر کسی که از وقوع عملی دچار ضرر شود و شکایت خود را به مرجع قضایی تسلیم کند.
- ۲) هر شخصی که از وقوع جرمی متضرر شده ولی شکایت خود را در مرجع قضایی مطرح نکرده است.
- ۳) هر شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده و تعقیب مرتکب را درخواست کند.
- ۴) هر کسی که از وقوع جرم متحمل ضرر شود ولی شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم نکند.

## ۱۲- تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی برعهده:

- ۱) شاکی است.
- ۲) مدعی خصوصی است.
- ۳) رییس دادگستری شهرستان است.
- ۴) دادستان است.

## ۱۳- تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت:

- ۱) با اعلام دادستان و گذشت او موقوف می‌شود.
- ۲) با اعلام دادستان و گذشت شاکی خصوصی موقوف می‌شود.
- ۳) با اعلام ضابطان و گذشت مدعی خصوصی موقوف می‌شود.
- ۴) فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

**۱۴- تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده و همچنین:**

- ۱) اجرای مجازات موقوف نمی‌شود مگر با توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون.
- ۲) اقدامات تأمینی و تربیتی موقوف نمی‌شود مگر با توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون.
- ۳) اعمال محدودیت‌های قانونی موقوف نمی‌شود مگر با توبه متهم حتی در موارد پیش‌بینی نشده در قانون.
- ۴) اجرای مجازات موقوف نمی‌شود مگر با توبه متهم حتی در موارد پیش‌بینی نشده در قانون.

**۱۵- متهمی پس از ارتکاب جرم و پیش از صدور حکم قطعی به جنون مبتلا شده است. در****این صورت:**

- ۱) به تیمارستان معرفی و مدت بستری شدن در تیمارستان جزء مدت حبس او محاسبه خواهد شد.
- ۲) با نظر دادستان به یکی از مراکز درمانی معرفی و مدت معالجه جزء مدت حبس او محسوب خواهد شد.
- ۳) با کسب نظر پزشک قانونی، به یک مرکز درمانی معرفی می‌شود.
- ۴) تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود.

**۱۶- شاکی می‌تواند:**

- ۱) جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.
- ۲) فقط جبران ضرر و زیان مادی ناشی از جرم را مطالبه کند.
- ۳) فقط جبران قسمتی از ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.
- ۴) جبران قسمتی از ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

**۱۷- زیان معنوی عبارت است از:**

- ۱) آثار ادبی یا تصنیفات علوم انسانی که در معرض تضییع قرار گیرد.
- ۲) آثار علمی و اختراعات که مورد تعرض دیگران قرار گیرد.
- ۳) صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی و زیان‌های مالی.
- ۴) صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی.

**۱۸- شخصی با پخش شایعه درباره ورشکستگی یک تاجر، موجب پراکنده شدن مشتریان او****و کاهش شدید فروش محصولات او گردیده است. اینک دادگاه می‌تواند:**

- ۱) حکم به حبس، تبعید، شلاق و جزای نقدی به صورت اقساط بدهد.
- ۲) به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.
- ۳) به رفع زیان از طریق پرداخت نقدی یا اخذ ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول یا غیرمنقول حکم نماید.
- ۴) به انجام خدمات آموزشی، کار در کارخانه‌ای معین و یا عدم رفت‌وآمد در محل مخصوصی حکم نماید.



**۱۹- مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی:**

- (۱) شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی می‌شود.
- (۲) شامل جرایم موجب پرداخت دیه می‌شود.
- (۳) شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.
- (۴) شامل همه جرایم می‌شود.

**۲۰- منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که:**

- (۱) از نظر شاکی مسجل باشد.
- (۲) با شهادت شهود اثبات گردد.
- (۳) با اتیان سوگند به اثبات برسد.
- (۴) صدق اتلاف نماید.

**۲۱- خانمی که در خیابان مورد تقبیل قرار گرفته و مرتکب جرم به نود و نه ضربه شلاق**

محکوم شده است، از دادگاه تقاضای پرداخت خسارت معنوی می‌کند. در این صورت:

- (۱) چون خسارت معنوی شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود دادگاه قرار عدم استماع صادر می‌کند.
- (۲) دادگاه به خسارت معنوی رأی خواهد داد.
- (۳) دادگاه درخواست بزه‌دیده را پس از رفع نقص راجع به نحوه درخواست رد می‌کند.
- (۴) دادگاه پس از احضار طرفین و استماع اظهارات آنان رأی خواهد داد.

**۲۲- شخصی که در اثر تصادف رانندگی صورت او مجروح شده و آثار آن باقی‌مانده از دادگاه**

تقاضای جبران خسارت معنوی به علت صدمه به زیبایی او می‌کند. دادگاه:

- (۱) درخواست او را رد می‌کند.
- (۲) چون از نظر دادگاه به زیبایی او لطمه‌ای وارد نشده دادخواست او را رد می‌کند.
- (۳) چون شهود خود را در دادگاه حاضر نکرده دادخواست او را رد می‌کند.
- (۴) چون خسارت معنوی شامل دیه نمی‌شود قرار عدم استماع دعوی صادر می‌کند.

**۲۳- مهلت تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادگاه کیفری:**

- (۱) قبل از اعلام ختم دادرسی است.
- (۲) قبل از ختم جلسه رسیدگی است.
- (۳) قبل از پایان جلسه اول رسیدگی است.
- (۴) قبل از جلسه رسیدگی است.

**۲۴- شخصی دادخواست ضرر و زیان خود را به موقع به دادگاه کیفری تسلیم اما مدیر دفتر آن را ناقص تشخیص می‌دهد و برای خواهان اخطار رفع نقص می‌فرستد. خواهان در مهلت ده روزه راجع به رفع نقص اقدام نمی‌کند. در این صورت:**

- (۱) مدیر دفتر مراتب را به رییس دادگاه منعکس تا تصمیم مقتضی اتخاذ کند.
- (۲) مدیر دفتر قرار رد دادخواست را صادر و به خواهان ابلاغ می‌کند.
- (۳) مدیر دادگاه کیفری حق صدور قرار نلارد و بایستی آن را برای تصمیم‌گیری نزد رییس حوزه قضایی بفرستد.
- (۴) مدیر دفتر قرار سقوط دعوی صادر و آن را برای اقدام مقتضی به خوانده ابلاغ می‌کند.

**۲۵- شخصی دعوای ضرر و زیان خود را ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه کرده است. در این صورت:**

- (۱) دعوای مذکور به تبع آن در دادگاه کیفری قابل طرح است.
- (۲) دعوای مذکور به شرط آن که رییس حوزه با طرح آن موافقت کند، قابل طرح است.
- (۳) دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست.
- (۴) دعوای مذکور در صورت تأیید دادستان قابل طرح است.

**۲۶- دادگاه:**

- (۱) مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی رأی مقتضی صادر کند.
- (۲) می‌تواند ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی رأی مقتضی صادر کند.
- (۳) مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان شاکی رأی مقتضی صادر کند.
- (۴) می‌تواند ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان شاکی حکم به محکومیت بدهد.

**۲۷- هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد:**

- (۱) برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است.
- (۲) برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند با شرایطی لازم‌الاتباع است.
- (۳) بایستی با طرح دعوای جداگانه ابتدا تحقیقات مقدماتی انجام و سپس تصمیم‌گیری شود.
- (۴) بدون طرح دعوای جداگانه صرفاً با موافقت دادستان لازم‌الاجرا است.

**۲۸- دادگاهی حکم قطعی به پرداخت قیمت مال صادر کرده است، اینک برای اجرای حکم:**

- (۱) قیمت زمان اجرای حکم ملاک است.
- (۲) قیمت زمان صدور حکم ملاک است.
- (۳) قیمت زمان وقوع جرم ملاک است.
- (۴) قیمت زمان شکایت ملاک است.

### ۲۹- دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل یا قیمت مال صادر می‌کند:

- (۱) می‌تواند میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم‌علیه، حدود مسؤولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.
- (۲) مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم‌علیه، حدود مسؤولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.
- (۳) می‌تواند میزان و مشخصات آن را قید کند اما درباره حدود مسؤولیت مالی متهمین وظیفه‌ای ندارد.
- (۴) مکلف است میزان و مشخصات آن را قید کند اما درباره حدود مسؤولیت مالی متهمین وظیفه‌ای ندارد.

### ۳۰- سقوط دعوی عمومی:

- (۱) موجب سقوط دعوی خصوصی است.
- (۲) در صورت موافقت دادستان موجب سقوط دعوی خصوصی است.
- (۳) موجب سقوط دعوی خصوصی نیست.
- (۴) در صورت موافقت بازپرس موجب سقوط دعوی خصوصی است.

### ۳۱- پرونده‌ای در نزد بازپرس مطرح شده که احراز مجرمیت متهم منوط به رسیدگی موضوع در دادگاه حقوقی است. در این صورت:

- (۱) قرار عدم صلاحیت صادر و آن را به دادگاه حقوقی ارسال می‌دارد و تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم معلق می‌شود.
- (۲) قرار عدم استماع دعوی صادر و آن را به دادگاه حقوقی ارسال می‌نماید.
- (۳) قرار سقوط دعوی صادر و آن را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.
- (۴) قرار اناطه صادر و تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود.

### ۳۲- قرار اناطه‌ای توسط بازپرس صادر شده، اینک باید ظرف چند روز به نظر دادستان

برسد؟

- (۱) پنج روز.
- (۲) چهل و هشت ساعت.
- (۳) سه روز.
- (۴) یک هفته.

### ۳۳- ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم، در کدام مورد، قابل مطالبه است؟ (وکالت ۹۳)

- (۱) فقط در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت.
- (۲) در کلیه جرایم با هر میزان، به استثنای جرایم مستوجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه.
- (۳) در کلیه جرایم ارتكابی و با هر میزان.
- (۴) فاقد وجاهت قانونی است و قابل مطالبه نیست.

## پاسخ‌ها

## پاسخ سؤال ۹:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
برای تعیین مصداق بند الف، می‌توان از جرم ولگردی، کلاشی و تکدی نام برد که فقط حیثیت عمومی دارند و برای بند ب ماده ۸، مثلاً خیانت در امانت که دارای دو حیثیت خصوصی و عمومی می‌باشد.

## پاسخ سؤال ۱۰:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
در صدر ماده ۹ قانون چنین آمده که «ارتکاب جرم» می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود:  
الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی.  
ب - دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است. مانند حد قذف و قصاص.

## پاسخ سؤال ۱۱:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
کسی که از وقوع جرمی متضرر شود و از مراجع قضایی تعقیب او را درخواست کند شاکی نامیده می‌شود لذا صرف تضرر از جرم مفهوم شاکی را پیدا نمی‌کند. از لحاظ منطقی بین «شاکی» و «متضرر از جرم» عموم و خصوص مطلق وجود دارد یعنی هر «شاکی» متضرر از جرم است اما هر «متضرر از جرم» شاکی نیست زیرا شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم نکرده است. اما اگر شاکی از مرجع قضایی مطالبه ضرر و زیان کند مدعی خصوصی نام می‌گیرد. در واقع همان رابطه‌ای که از لحاظ منطقی مابین متضرر از جرم و شاکی وجود دارد در اینجا نیز مستولی است یعنی هر مدعی خصوصی «شاکی» هست ولی هر «شاکی»، «مدعی خصوصی» نیست.

## پاسخ سؤال ۱۲:

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
حیثیت عمومی به معنای رعایت حدود و مقررات الهی و حقوق جامعه و نظم عمومی است و به همین دلیل، دادستان مقام تعقیب نامیده شده است. در مقابل حیثیت خصوصی یعنی حقوق شخصی متضرر از جرم.

**پاسخ سؤال ۱۳:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مفهوم مخالف این گزینه این است که درباره اعلام جرم در شکایاتی که نیازمند شاکی خصوصی است دادستان وظیفه‌ای ندارد. برای اینکه از جرایم قابل گذشت مطلع شویم به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مراجعه می‌کنیم این ماده مقرر می‌دارد:

«ماده ۱۰۴- علاوه بر جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرایم مندرج در قسمت اخیر ماده ۵۹۶.»

**پاسخ سؤال ۱۴:**

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار است که موضوع «توبه» متهم به موجب بند ج ماده ۱۳ به موارد سقوط دعوای عمومی اضافه شده است البته قید «موارد پیش‌بینی شده در قانون» آنرا کاملاً محدود می‌کند و قابل تسری به تمام جرایم نیست. موارد مصرح در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۱۹ (کلیات حدود)، تبصره ۲ ماده ۲۷۸ (سرقت حدی) ماده ۲۸۴ (محاربه) ملاحظه می‌شود. تمامی موارد مذکور به قرار موقوفی تعقیب منجر می‌شود.

**پاسخ سؤال ۱۵:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ منظور از این نوع جنون، جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی است که تا زمان افاقه (یعنی بهبودی) تعقیب و دادرسی (چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در مرحله دادرسی) موقوف می‌شود. در صورتیکه جنون در حین ارتکاب جرم باشد به موجب ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

**پاسخ سؤال ۱۶:**

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ منافع مادی معمول طبق نظر کارشناس تعیین می‌شود. از نظر شورای نگهبان منافع ممکن‌الحصول اختصاص به مواردی دارد که صدق اتلاف کند. مانند کسی که از قبل برای کاری اجیر شده باشد. بنابراین مفهوم مخالف جمله «مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود» اینست که اگر جرم مستلزم حد یا قصاص یا تعزیر غیرمنصوص باشد، حکم به پرداخت منافع ممکن‌الحصول و خسارت معنوی داده خواهد شد. در هر صورت، برای وصول به هر سه نوع خسارت، دادخواست ضرر و زیان لازم است.

**پاسخ سؤال ۱۷:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
 زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است.  
 دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام  
 به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

**پاسخ سؤال ۱۸:**

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

**پاسخ سؤال ۱۹:**

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

**پاسخ سؤال ۲۰:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

**پاسخ سؤال ۲۱:**

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
 به استناد ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، هر کس مرتکب عمل مادون زنا از قبیل  
 تقبیل و مضاجعه شود تا نود و نه ضربه شلاق محکوم می‌شود. این دو عمل از جمله تعزیرات دارای  
 نص شرعی هستند.

**پاسخ سؤال ۲۲:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲. به پاسخ سؤال ۱۶ مراجعه  
 نمایید.

**پاسخ سؤال ۲۳:**

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
 برابر ذیل ماده ۱۵، دادخواست ضرر و زیان بایستی به دادگاه تسلیم شود نه دادسرا. در اینجا بایستی  
 توجه داشت که «ختم جلسه» با «ختم دادرسی» متفاوت است. در «ختم جلسه» قاضی بقیه رسیدگی  
 را به جلسه بعدی موکول می‌کند اما اعلام «ختم دادرسی» به منزله اتمام رسیدگی است. به موجب  
 ماده ۳۷۳، دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، نمی‌تواند لوایح، اسناد و مدارک جدید را دریافت کند.  
 البته این بدان معنی نیست که شخص نتواند به ضرر و زیان ناشی از جرم دست یابد بلکه پس از  
 دریافت رأی کیفری، بایستی به دادگاه حقوقی مراجعه و به استناد رأی دادگاه کیفری تقاضای صدور

حکم به پرداخت ضرر و زیان کند. برابر ماده ۱۸، هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت‌های حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است.

#### پاسخ سؤال ۲۴:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی چنانچه خواهان در مهلت ده روز پس از ابلاغ، درباره رفع نقص دادخواست تقدیمی اقدام نکند مدیر دفتر قرار رد دادخواست را صادر و به خواهان ابلاغ می‌کند. خواهان می‌تواند ظرف ده روز به این قرار اعتراض کند که در همان دادگاه رسیدگی خواهد شد. رأی صادره قطعی است. لذا از آنجا که برابر ذیل ماده ۱۵، مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است در اینجا دفتر دادگاه کیفری، مکلف به رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی به شرح بالا می‌باشد.

#### پاسخ سؤال ۲۵:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بایستی توجه داشت که این امر یک استثناء دارد یعنی اگر مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است در این صورت می‌تواند با استرداد دعوا، به دادگاه کیفری مراجعه کند.

#### پاسخ سؤال ۲۶:

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در توضیح این ماده بایستی گفت که وظیفه دادگاه کیفری، تعیین مجازات است نه جبران ضرر و زیان، اما قانونگذار برای جلوگیری از اطاله دادرسی و استفاده زیان‌دیده از مرجع کیفری، به او اجازه داده است تا دادخواست ضرر و زیان خود را به مرجع کیفری تقدیم کند. به همین دلیل قانونگذار کلمه «مکلف» را بکار برده تا دادگاه کیفری از صدور حکم درباره ضرر و زیان خودداری نکند. این موضوع آنقدر مورد توجه قانونگذار بوده که اگر دادگاه کیفری، عمل ارتكابی را جرم تشخیص ندهد بایستی به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید. (ر.ک به ماده ۲۰)

#### پاسخ سؤال ۲۷:

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ رأی دادگاه کیفری برای دادگاه حقوقی درباره صدور ضرر و زیان ناشی از جرم لازم‌الاتباع است اما عکس آن مصداق ندارد. یعنی رأی دادگاه حقوقی برای کیفری الزامی ایجاد نمی‌کند.

**پاسخ سؤال ۲۸:**

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به تبصره ماده ۱۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

**پاسخ سؤال ۲۹:**

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
درباره قیمت موضوع احکام صادره، مناقشه وجود داشت و تفسیر به رأی می‌شود اما قانونگذار با وضع «قیمت زمان اجرای حکم ملاک است» به مناقشات پایان داد.

**پاسخ سؤال ۳۰:**

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
مثلاً شخصی علیه کسی که چک بلامحل صادر کرده، شکایت کرده و پرونده پس از صدور کیفرخواست در دادسرا، به دادگاه ارسال شده لیکن مدعی خصوصی در دادگاه و علی‌رغم تقدیم دادخواست ضرر و زیان از شکایت خود صرفنظر کرده است. در این دادگاه بدلیل قابل گذشت بودن جرم، برای صادرکننده چک بلامحل قرار موقوفی تعقیب و نسبت به دادخواست رسیدگی می‌کند. شکل دیگر اینکه سقوط دعوی عمومی موجب دعوی خصوصی نمی‌شود اینست که در پرونده مذکور، دادگاه تشخیص دهد که چک واجد وصف کیفری نبوده در مورد متهم حکم برائت صادر اما به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌کند.

**پاسخ سؤال ۳۱:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
مثلاً شکایتی در دادسرا مطرح شده و شاکی مدعی است که دیوار مشترکی بین او و همسایه‌اش وجود داشته و همسایه بدون اذن او نسبت به تخریب دیوار اقدام کرده و او برای دفاع از مال خویش از ادامه کار جلوگیری لیکن مورد ضرب و جرح مشتکی‌عنه قرار گرفته است وقتی بازپرس دلیل مالکیت را جویا می‌شود شاکی اظهار می‌دارد که چون مورد اختلاف بوده هنوز سندی درباره آن صادر نشده است لذا چون بازپرس نمی‌تواند نسبت به یک «؟؟؟؟» حقوقی مبنی بر تحقق مالکیت هر یک از طرفین اظهارنظر کند لذا با صدور قرار اناطه آن را به ذی‌نفع ابلاغ می‌کند. هرگاه ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. شایان ذکر است که برابر تبصره ماده ۲۱، در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می‌شود باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلاف با دادگاه صالح است. (تبصره ۱ ماده ۲۱)



نکته دیگر آنکه در دعوی ناشی از مالکیت اموال منقول، قرار اناطه صادر نمی‌گردد و مدتی هم که پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی‌شود. (تبصره ۲ و ۳ ماده ۲۱)

### پاسخ سؤال ۳۲:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به تبصره ۱ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲. به پاسخ تشریحی سؤال سی و یکم مراجعه فرمایید.

### پاسخ سؤال ۳۳:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲. به پاسخ تشریحی سؤال شانزدهم مراجعه فرمایید.

بخش دوم

# کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

## فصل اول: دادسرا و حدود صلاحیت آن

پرسش‌ها

۳۴- برای انجام کدام یک از امور زیر، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های

آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب تشکیل می‌شود؟

- (۱) حفظ حقوق عمومی و خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی.
- (۲) اقامه دعوی لازم برای انجام امور حسبی.
- (۳) کشف جرم و صدور حکم محکومیت متهم.
- (۴) انجام تحقیقات تا صدور حکم قطعی.

۳۵- دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و:

- (۱) به تعداد مصوب، معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.
- (۲) رسمیت می‌یابد و به تعداد کافی کارمند خواهد داشت.
- (۳) به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.
- (۴) رسمیت می‌یابد و به تعداد لازم کارمند قضایی و اداری خواهد داشت.

۳۶- در حوزه قضایی بخش:

- (۱) وظایف بازپرس و دادستان به عهده رییس حوزه قضایی است.
- (۲) وظایف دادستان به عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی به عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.
- (۳) وظایف بازپرس و دادستان به عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی به عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.
- (۴) وظایف بازپرس و دادیاران به عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی به عهده دادرس جانشین دادگاه است.

۳۷- دادسراهای تخصصی از قبیل جرایم کارکنان دولت به تشخیص کدام یک از مقامات زیر

نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود:

- (۱) رییس کل دادگستری استان.
- (۲) دادستان شهرستان مرکز استان.
- (۳) رییس قوه قضاییه.
- (۴) دادستان کل کشور.

۳۸- انجام وظایف دادسرا در مورد جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاهی غیر از

دادگاه محل وقوع جرم است به عهده دادرسی است که:

- ۱) در معیت دادگاه رسیدگی کننده انجام وظیفه می کند.
- ۲) در حوزه قضایی دادگاه رسیدگی کننده انجام وظیفه می کند.
- ۳) در تابعیت دادگاه تجدیدنظر استان انجام وظیفه می کند.
- ۴) در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند مگر آن که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

۳۹- کدام یک از مقامات قضایی زیر بر مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های یک استان

نظارت می کند و تعلیمات لازم را ارائه می نماید؟

- ۱) دادستان کل کشور.
- ۲) دادستان شهرستان مرکز استان.
- ۳) دادستان منصوب از سوی دادستان کل کشور.
- ۴) دادستان دادرسی انتظامی قضات.

## پاسخ‌ها

## پاسخ سؤال ۳۴:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ کلمه «حسی» به معنای کار بدون مزد است اما در لسان حقوقی، به اموری گفته می‌شود که نیازمند دخالت دادستان است. مانند وقتی که به پیشنهاد دادستان شخصی به عنوان قیم به دادگاه حقوقی معرفی و دادگاه برای او حکم قیمومت صادر می‌کند. در امور کیفری نیز دادستان حق تعیین «قیم موقت» را دارد که شرح آن در آتی خواهد آمد.

## پاسخ سؤال ۳۵:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ از ویژگی‌های دادسرا، سلسله مراتب آن است یعنی دادستان بر دادسرا ریاست و نظارت دارد ریاست از باب اداره دادسراست و امور اداری را از قبیل عزل و نصب کارمندان اداری، اعطای مرخصی و سایر امتیازات و همچنین امور مالی دادسرا به عهده دادستان است. نظارت به معنای اظهارنظر قضایی است. تمامی قرارهای دادیار تحقیق که منجر به بازداشت متهم می‌شود بایستی به تأیید دادستان برسد. قرار بازداشت موقت صادره از سوی بازپرس نیز بایستی به تأیید دادستان برسد. دادستان در دادسرا، وظیفه ارجاع پرونده، اظهارنظر، دفاع از کیفرخواست و اجرای احکام را به عهده دارد.

## پاسخ سؤال ۳۶:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در حوزه قضایی بخش، دادسرا وجود ندارد و پرونده بطور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. بنا به مراتب تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در یک مرجع انجام می‌شود و وظیفه دادستان بر عهده رییس دادگاه بخش است. این دادگاه فقط مجاز به رسیدگی به جرایمی که مجازات آن از درجه ۴ به پایین (کمتر از ده سال حبس)، جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون ریال تا سیصد و شصت میلیون ریال و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی است رسیدگی می‌کند. در حقیقت دادگاه بخش، نوعی دادگاه کیفری دو است که بدون کیفرخواست به جرایم مذکور رسیدگی می‌نماید و مرجع اعتراض به آراء دادگاه مذکور دادگاه تجدیدنظر استان است. بدیهی است در غیاب رییس دادگاه بخش، دادرسی علی‌البدل و وظایف دادستان را به عهده دارد.

## پاسخ سؤال ۳۷:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

رییس قوه قضاییه، حق صدور دستور تشکیل دادگاه‌های تخصصی مانند دادرسی مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق را دارد. بایستی توجه داشت این دادرها در حقیقت شعبی از دادرسی عمومی و انقلاب می‌باشند و دادرسی اختصاصی (مانند دادرسی نظامی یا ویژه روحانیت) محسوب نمی‌گردند.

### پاسخ سؤال ۳۸:

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، ناظر به ماده ۱۱۶. انجام وظایف دادرسی در مورد جرایمی که رسیدگی، آن‌ها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است در چهار حالت امکان دارد:

الف - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.

ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس مقیم باشد.

ج - هرگاه آثار و ادله وقوع جرمی در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرسی کشف شود، اما محل وقوع آن معلوم نباشد، بازپرس ضمن انجام تحقیقات، سعی در کشف محل وقوع جرم می‌کند و اگر محل وقوع جرم تا ختم تحقیقات مشخص نشود، بازپرس در خصوص موضوع اظهار عقیده می‌کند.

د - هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منزل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانون، انجام آن‌ها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند.

### پاسخ سؤال ۳۹:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

این ماده نشان‌دهنده ارشدیت دادستان شهرستان مرکز استان بر دادستان‌های شهرستان‌های یک استان است و علاوه بر آن‌ها در مواقعی که جرمی در صلاحیت دادگاه کیفری یک در دادگاه بخش اتفاق می‌افتد، رییس حوزه قضایی بخش یا دادرسی علی‌البدل که به جانشینی از بازپرس عمل می‌کنند نیز تحت نظارت دادستان شهرستان مرکز استان قرار دارند.

## فصل دوم: ضابطان دادگستری

پرسش‌ها

## ۴۰- ضابطان دادگستری:

- ۱) اشخاصی هستند که تحت نظارت مقام قضایی در کشف جرم به موجب قانون اقدام می‌کنند.
- ۲) مأمورانی هستند که تحت نظارت دادستان در کشف جرم به موجب قانون اقدام می‌کنند.
- ۳) اشخاصی هستند که تحت نظارت دادستان در کشف جرم به موجب دستورات صادره اقدام می‌کنند.
- ۴) مأمورانی هستند که تحت نظارت بازپرس و به موجب دستورات صادره اقدام می‌کنند.

## ۴۱- ضابطان عام عبارتند از:

- ۱) فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی که آموزش مربوط را دیده باشند.
- ۲) فرماندهان، افسران و سربازان وظیفه که آموزش مربوط را دیده باشند.
- ۳) افسران، درجه‌داران و سربازان وظیفه که آموزش مربوط را طی کرده باشند.
- ۴) افسران و معاونین آنان، درجه‌داران و کسانی که آموزش مربوط را دیده باشند.

## ۴۲- در کدام یک از گزینه‌های زیر، مأمورین وزارت اطلاعات، ضابط محسوب می‌شوند؟

- ۱) مفاسد کلان اقتصادی، کلاهبرداری، تصرف غیرقانونی و اختلاس.
- ۲) مفاسد کلان اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته و باندهای سرقت.
- ۳) مفاسد کلان اقتصادی، سرقت میراث فرهنگی.
- ۴) مفاسد کلان اقتصادی، اقدامات مزورانه در جعل و استفاده از سند مجعول.

## ۴۳- احراز عنوان ضابط دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن:

- ۱) منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های ویژه زیرنظر فرماندهان است.
- ۲) منوط به طی دوره‌های لازم و آموزش‌های قضایی توسط اساتید دانشگاه است.
- ۳) منوط به طی دوره‌های لازم و آموزش‌های قضایی تحت نظر دادستان مربوط است.
- ۴) منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیرنظر مرجع قضایی مربوط است.

## ۴۴- دادستان مکلف است دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و

ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید. این دوره‌های آموزشی:

- ۱) هر یک ماه یکبار انجام می‌شود.
- ۲) هر دو ماه یکبار انجام می‌شود.
- ۳) مستمر است.
- ۴) هر سه ماه یکبار انجام می‌شود.

**۴۵- به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان:**

- (۱) محل‌هایی ویژه‌ای برای نگهداری اطفال و نوجوانان ایجاد می‌شود.
- (۲) پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود.
- (۳) مرکز آموزش‌های لازم برای پلیس ویژه بانوان و اطفال ایجاد می‌شود.
- (۴) در محل‌های به خصوصی آموزش نیروی انتظامی برای اطفال و نوجوانان شروع می‌شود.

**۴۶- ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران و مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند:**

- (۱) موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.
- (۲) موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است.
- (۳) موجب انفصال از خدمت است.
- (۴) موجب اخراج از خدمت است.

**۴۷- پس از این که دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را مورد بازرسی قرار داد:**

- (۱) دستورهای لازم را به صورت شفاهی به ضابطان ابلاغ می‌کند.
- (۲) دستورهای کتبی را به آنان ابلاغ تا نسبت به انجام آن اقدام نمایند.
- (۳) در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند.
- (۴) در هر مورد، مراتب را به فرمانده پاسگاه ابلاغ تا وفق دستور او عمل کند.

**۴۸- چنانچه از سوی مقامات قضایی، دستور شفاهی صادر شود، حداکثر وقتی که ضابطان بایستی نتیجه اقدامات خود را به آنان اعلام کنند:**

- (۱) ۴۸ ساعت.
- (۲) ۷۲ ساعت.
- (۳) ۲۴ ساعت.
- (۴) وقتی تعیین نشده است.

**۴۹- بازپرس در پرونده‌ای به ضابطان دستوری صادر و انجام آن را ظرف ۵ روز خواستار شده اما اجرای آن میسر نشده است. در این صورت:**

- (۱) مکلفند در پایان مهلت مذکور، گزارش آن را با ذکر علت به دادستان گزارش دهند.
- (۲) می‌توانند در پایان مهلت مذکور، گزارش آن را بدون ذکر علت به دادستان گزارش دهند.
- (۳) می‌توانند در پایان مهلت مذکور، گزارش آن را بدون ذکر علت به بازپرس گزارش دهند.
- (۴) مکلفند در پایان مهلت مذکور، گزارش آن را با ذکر علت به بازپرس گزارش دهند.



**۵۰- گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که:**

- ۱) برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و براساس ضوابط ناجا تهیه و تنظیم شود.
- ۲) برخلاف موازین شرعی تهیه نشده و تمامی ضوابط مندرج در شرح وظیفه رعایت شده باشد.
- ۳) برخلاف موازین شرعی تهیه نشده و تمامی شئون اسلامی رعایت و تنظیم شده باشد.
- ۴) برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و براساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.

**۵۱- ضابطان دادگستری مکلفند:**

- ۱) پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.
- ۲) پس از دریافت شکایت و اطمینان از این که جرمی واقع شده به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.
- ۳) تا زمانی که دادستان دستور کتبی نداده حق دریافت شکایت را ندارند.
- ۴) از دریافت هر شکایت که مستلزم پرداخت هزینه دادرسی است خودداری نمایند.

**۵۲- کدامیک از موارد زیر بایستی توسط ضابطان دادگستری به شاکی اعلام شود؟**

- ۱) حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی.
- ۲) حق درخواست مشورت با وکیل خود با اعطای مهلت یک هفته.
- ۳) حق درخواست تماس تلفنی با اولیاء مشتکی عنه، شهود و مطلعین.
- ۴) حق درخواست مساعدت‌های مادی و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود.

**۵۳- ضابطان دادگستری:**

- ۱) می‌توانند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را با درخواست او به مراجع قضایی گزارش کنند.
- ۲) مکلفند اظهارات مدعی خصوصی در مورد ضرر و زیان وارده را با درخواست او به مراجع قضایی گزارش کنند.
- ۳) می‌توانند اظهارات مدعی خصوصی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند.
- ۴) مکلفند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند.

**۵۴- افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده:**

- (۱) توسط مأمورین نیروی انتظامی ممنوع است.
- (۲) توسط کلیه ضابطان دادگستری، جز در مواردی که شرع معین کرده ممنوع است.
- (۳) توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند ممنوع است.
- (۴) توسط مأمورین انتظامی، جز در مواردی که قانون معین می‌کند ممنوع است.

**۵۵- مقامات قضایی:**

- (۱) می‌توانند اخذ تأمین را به ضابطان محول کنند.
- (۲) با دستور به مقام قضایی دیگر تقاضای تأمین کنند.
- (۳) نمی‌توانند اخذ تأمین را به ضابطان محول کنند.
- (۴) در صورت قانونی بودن می‌توانند اخذ تأمین را به ضابطان محول کنند.

**۵۶- بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ:**

- (۱) باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.
- (۲) در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.
- (۳) باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و اطفال و با رعایت موازین شرعی و اخلاقی انجام شود.
- (۴) در صورت امکان توسط ضابطان آموزش دیده زن و اطفال و با رعایت موازین شرعی و اخلاقی انجام شود.

**۵۷- شخص ناشناسی خبر قتل مردی را به ضابطان عام اطلاع می‌دهد. در این صورت:**

- (۱) ابتدا محل مورد نظر را مورد تفتیش قرار داده و در صورت مشاهده جرم، مراتب را به دادستان گزارش می‌کنند.
- (۲) ابتدا شخص مظنون به قتل را جلب و پس از بازجویی کامل، مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهند.
- (۳) ابتدا شخص مظنون به قتل را احضار و در صورت عدم حضور جلب و سپس مراتب را به دادستان گزارش می‌کنند.
- (۴) تحقیقات لازم را به عمل آورده و نتیجه آن را به دادستان گزارش می‌دهند.

**۵۸- در جرایم مشهود، ضابطان فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که:**

- (۱) کلیه ادله موجود درباره پرونده را جمع‌آوری کرده باشند.
- (۲) از شهود و مطلعین واقعه به قدر لزوم استعلام شده باشد.
- (۳) اسناد مربوط به جرم را کشف و از احتمال جعلی بودن آن‌ها آگاه باشند.
- (۴) قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

۵۹- شخصی پس از گذشت پنج سال از ارتکاب جرم غیرقابل گذشت، خود را به ضابطان معرفی می‌کند. در این صورت:

- ۱) جرم مشهود محسوب شده و ضابطان حق دستگیری او را دارند.
- ۲) جرم مشهود محسوب نشده و ضابطان حق دستگیری او را ندارند.
- ۳) جرم مشهود محسوب نشده ولی با اخذ تعهد آزاد می‌گردد.
- ۴) جرم مشهود محسوب شده ولی با تأمین مناسب آزاد می‌شود.

۶۰- ولگرد کسی است که:

- ۱) مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و محل اقامت معینی ندارد.
- ۲) محل اقامت معینی نداشته و وسیله معاش مشخصی نداشته باشد.
- ۳) محل اقامت معینی نداشته و مستخدم یکی از سازمان‌های دولتی نباشد.
- ۴) مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.

۶۱- شخصی در هنگام جرم مشهود توسط ضابطان دادگستری دستگیر و نگهداری او برای تکمیل تحقیقات ضروری است. در این حالت:

- ۱) ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند.
- ۲) ضابطان باید فوراً مراتب را به دادستان اطلاع داده و منتظر دستور او شوند.
- ۳) ابتدا او را به مدت ۲۴ ساعت توقیف و در صورت احراز وقوع جرم، تحقیقات را تا حصول نتیجه ادامه می‌دهند.
- ۴) مراتب دستگیری وی را به بازپرس مربوط اطلاع داده و طبق دستورات او عمل می‌کنند.

۶۲- هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد:

- ۱) ضابطان موظفند حداکثر ظرف ۲۴ ساعت مراتب را به قاضی ذیصلاح اطلاع دهند.
- ۲) ضابطان موظفند حداکثر ظرف یک ساعت مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اطلاع دهند.
- ۳) ضابطان موظفند حداکثر ظرف ۴۸ ساعت مراتب را به قاضی ذیصلاح اطلاع دهند.
- ۴) ضابطان موظفند سریعاً مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اطلاع دهند.

۶۳- در کدام یک از موارد زیر، وکیل از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشد انتخاب می‌شود؟

- ۱) جرایم سازمان یافته، جرایم علیه حقوق مالی دولت، جرایم حداکثر تا دو سال حبس.
- ۲) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و جرایم سازمان یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک است.
- ۳) جرایم موجب سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی بیش از ثلث دیه کامل.
- ۴) بند ۲ و ۳ صحیح است.

**۶۴- به محض آن که متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان حداکثر ظرف:**

- (۱) یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی را به دادرسرای محل اعلام می‌کنند.
- (۲) ۲۴ ساعت، مشخصات سجلی، نوع اتهام و نشانی منزل و محل کار وی به دادرسرای محل اعلام می‌کنند.
- (۳) ۴۸ ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی را به دادرسرای محل اعلام می‌کنند.
- (۴) دو ساعت، مشخصات سجلی، نوع اتهام و نشانی و محل کار وی را به دادرسرای محل اعلام می‌کنند.

**۶۵- شخصی که در جرم مشهود تحت نظر قرار گرفته است تقاضای تماس تلفنی با خانواده خود دارد لذا ضابطان مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند مگر آن که:**

- (۱) تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند و نیازی به اطلاع به مقام قضایی نیست.
- (۲) بنا به ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور به مقام قضایی اطلاع دهند.
- (۳) تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور به بازپرس اطلاع دهند.
- (۴) بنا به ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید حداکثر ظرف ۲۴ ساعت مراتب را به دادستان اطلاع دهند.

**۶۶- فرزند شخصی که در هنگام ارتکاب جرم مشهود دستگیر شده است تقاضای معاینه پزشکی از پدرش را دارد. در این صورت ضابطان دادگستری:**

- (۱) چون خود شخص متهم چنین تقاضایی ندارد از انجام آن خودداری می‌کنند.
- (۲) ابتدا مراتب را به دادستان اطلاع داده و منتظر کسب دستور می‌شوند.
- (۳) موضوع را به پزشک قانونی اطلاع داده تا پس از هماهنگی با مراجع مربوط اقدام لازم به عمل آورد.
- (۴) مراتب را به دادستان اطلاع داده و یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد.

۶۷- شخصی به علت ارتکاب جرم مشهود تحت نظر قرار گرفته است. در این صورت ضابطان دادگستری:

- ۱) مکلفند حقوق قانونی را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.
- ۲) می‌توانند حقوق قانونی را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.
- ۳) می‌توانند حقوق قانونی را به متهم ابلاغ و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.
- ۴) مکلفند حقوق قانونی را به متهم تفهیم و به صورت غیرمکتوب به وی ابلاغ و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

۶۸- کدام یک از گزینه‌های زیر بایستی توسط ضابطان دادگستری در صورت مجلس قید شود؟

- ۱) اعترافات، اسامی شهود و مطلعین، تاریخ و ساعت آغاز بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ اعزام به نزد قاضی.
- ۲) علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و نام مرجع قضایی مربوط.
- ۳) تاریخ و ساعت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی، محل نگهداری و نام پزشک قانونی مربوط.
- ۴) اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی.

۶۹- شخصی به دلیل ارتکاب جرم مشهود تحت نظر قرار گرفته و ضابطان دادگستری مشغول تحقیق از وی هستند که در این موقع دادستان وارد می‌شود. در این وضعیت ضابطان:

- ۱) به تحقیق ادامه می‌دهند تا به نتیجه‌ای برسند.
- ۲) به متهم حضور دادستان را اطلاع داده تا اگر خواسته‌ای دارد به اطلاع وی برسانند.
- ۳) تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به او تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند.
- ۴) از دادستان می‌خواهند به آنان اجازه دهد تا ۴۸ ساعت دیگر او را تحت نظر قرار داده تا به نتیجه مطلوب برسند.

۷۰- ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود:

- ۱) با اجازه عام مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع کرده باشد.
- ۲) با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع کرده باشد.
- ۳) با اجازه موردی مقام قضایی است، لیکن به شرطی که اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع کرده باشد.
- ۴) با اجازه عام مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع نکرده باشد.

۷۱- ضابطان دادگستری:

- ۱) مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.
- ۲) می‌توانند طبق وظایف خود عمل کنند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.
- ۳) مکلفند طبق نرخ وظایف خود عمل کنند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.
- ۴) می‌توانند طبق وظایف خود عمل کنند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.

۷۲- در کدام‌یک از گزینه‌های زیر، ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، بلافاصله مراتب را به مراجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند؟

- ۱) مشاهده جرمی که به نوعی با جرم اصلی مرتبط باشد.
- ۲) مشاهده جرمی که به جرم اصلی ارتباطی ندارد اما می‌تواند برای جامعه مضر باشد.
- ۳) مشاهده ادله، اسباب و آثار جرم دیگری که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است.
- ۴) مشاهده ادله، اسباب و آثار جرم دیگری که به نوعی به منافع ملی لطمه وارد می‌آورد.

۷۳- ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل:

- ۱) ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، بازرسی را انجام و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند.
- ۲) ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند.
- ۳) ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، تصویر دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند.
- ۴) با ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، مفاد دستور مقام قضایی را به متصرف قانونی تفهیم و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند.

**۷۴- ضابطان دادگستری:**

- ۱) مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری نمایند و در صورت‌مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند موضوع پرونده را بیان کنند.
- ۲) می‌توانند اوراق بازجویی پرونده را شماره‌گذاری کنند و در صورت‌مجلسی که برای مقام قضایی ارسال کنند موضوع پرونده را تشریح کنند.
- ۳) می‌توانند مدارک پرونده را شماره‌گذاری کنند و در صورت‌مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند موضوع را تشریح کنند.
- ۴) مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری کنند و در صورت‌مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند.

**۷۵- مدیر دفتری در دادسرا، اوراق پرونده را شماره‌گذاری نکرده است. این تخلف موجب محکومیت به:**

- ۱) سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.
- ۲) شش ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.
- ۳) سه ماه تا دو سال انفصال از خدمات دولتی است.
- ۴) سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات قضایی و دولتی است.

**۷۶- مفاد کدام‌یک از گزینه‌های زیر در هنگام بازجویی توسط ضابطان ممنوع شده است؟**

- ۱) اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات مبهم، دوپهلوی و خارج از موضوع اتهام.
- ۲) اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی، اغفال‌کننده و خارج از موضوع اتهام.
- ۳) ضرب و شتم متهم، به کار بردن کلمات موهن و طرح سؤالاتی که به زندگی شخصی متهم مربوط می‌شود.
- ۴) حبس در سلول انفرادی، به کار بردن کلمات موهن و طرح سؤالات خارج از موضوع اتهام، اکراه یا اجبار.

**۷۷- تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات:**

- ۱) باید برابر دستورالعمل صادره از ناجا درباره نحوه بازجویی از متهم باشد.
- ۲) باید برابر دستورات کلی دادستان یا بازپرس مربوط باشد.
- ۳) باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.
- ۴) باید مطابق قوانین و مقرراتی باشد که به عنوان شرح وظایف برای ضابطان از سوی قوه قضاییه مقرر شده است.

۷۸- خانواده مقتولی مورد تهدید بستگان قاتل قرار گرفته و حفاظت از آنان موجب صرف

هزینه‌هایی برای قوه قضاییه است. در این صورت:

- ۱) اخذ آن از خانواده مقتول توسط ضابطان منعی ندارد.
- ۲) اخذ آن از خانواده قاتل توسط ضابطان منعی ندارد.
- ۳) با هماهنگی مقام قضایی ذی‌صلاح، از خانواده قاتل اخذ و به خانواده مقتول پرداخت خواهد شد.
- ۴) تحمیل هر گونه هزینه بر آنان ممنوع است.

۷۹- یک مأمور انتظامی بدون این که کارت ویژه ضابطان را داشته باشد شخصی را به علت

ارتکاب جرم مشهود دستگیر می‌کند. مجازات این شخص در کدام یک از گزینه‌های زیر درج شده است؟

- ۱) سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی.
- ۲) سه ماه تا شش ماه انفصال از خدمات دولتی.
- ۳) شش ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی.
- ۴) شش ماه تا دو سال انفصال از خدمات دولتی.

(وکالت ۹۳)

۸۰- در کدام موارد، گزارش ضابطان دادگستری معتبر است؟

- ۱) با امضای دو نفر از ضابطان خاص باشد.
- ۲) مورد ثقة قاضی باشد.
- ۳) بر خلاف اوضاع و احوال و قراین مسلم قضیه نباشد.
- ۴) فقط در جرایم واقع در صلاحیت دادگاه کیفری دو.



## پاسخ سؤال ۴۰:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
این ماده حاوی مفهوم ضابط و وظایف او به شرح زیر است:

الف - ضابط دادگستری «مأمور» است. کلمه «مأمور» در مقابل «آمر» بکار برده می‌شود لذا بین آمر و مأمور لزوماً رابطه استخدام رسمی وجود دارد بنابراین ضابط بایستی مستخدم دولت باشد تا بتوان این رابطه را تصور کرد. به همین دلیل قانونگذار در ماده ۶۳، تخلف از مقررات ۱۶ ماده مربوط به ضابطان را سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات «دولتی» مقرر کرده است. بدیهی است که مجازات «انفصال از خدمات دولتی» فقط در مورد مأمورین دولتی مصداق دارد.

ب - وظایف ضابطان دادگستری که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در اجرای قانون صورت می‌گیرد عبارتند از:

۱- کشف جرم. بنابراین قبل از کشف جرم اصولاً «ضابط دادگستری» معنایی ندارد؛

۲- حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم؛

۳- شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم؛

۴- تحقیقات مقدماتی؛

۵- ابلاغ اوراق قضایی؛

۶- اجرای تصمیمات قضایی.

## پاسخ سؤال ۴۱:

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به بند الف ماده ۲۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

قانونگذار ضابطان دادگستری را بر دو دسته تقسیم کرده است ضابطان عام و ضابطان خاص. ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران، درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که آموزش مربوط را دیده باشند. عام یعنی در تمامی جرایم بجز موارد استثنایی تحت نظارت مقام قضایی حق انجام وظایف مذکور در ماده ۲۸ را دارند قانونگذار با مشخص کردن ضابطان عام در بند الف ماده ۲۹ دو دسته افراد را از عداد ضابطان خارج کرده است:

الف - فرماندهان، افسران و درجه‌دارانی که آموزش مربوط را ندیده باشند.

ب - سربازان وظیفه که در هیچ شرایطی ضابط محسوب نمی‌شوند (حتی اگر آموزش مربوط را دیده باشند)

**پاسخ سؤال ۴۲:**

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به بند ب ماده ۲۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
 قانونگذار در موارد استثنایی، وظایف ضابطان عام را به اشخاصی با عنوان «ضابطان خاص» واگذار کرده که عده‌ای از آنان را با ذکر جمله «از قبیل» بصورت تمثیلی بشرح زیر ذکر کرده است:  
 الف - رؤساء، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور زندانیان؛  
 ب - مأموران وزارت اطلاعات؛  
 ج - سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛  
 د - مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛  
 و - سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود.

ضابطان خاص البته منحصر به اشخاص مذکور نبوده و شامل موارد دیگری نیز هست مانند مأموران حفاظت سازمان گمرک (ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲) ناخدای کشتی (ماده ۸۵ مکرر ۶ از قانون خلبان هواپیما)، (ماده ۳۲ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸) و ...

درباره وظایف مأموران وزارت اطلاعات دو مصوب بشرح زیر وجود دارد:

- ۱- بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر مبارزه با مفسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی؛
- ۲- بند ب ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته ضد امنیتی. اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی.

**پاسخ سؤال ۴۳:**

گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲  
 قانونگذار در ماده مزبور احراز عنوان ضابط دادگستری را منوط به شرایط زیر دانسته است:  
 الف - وثاقت و مورد اعتماد بودن؛  
 ب - فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط.  
 ج - تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری.  
 قانونگذار در ادامه این ماده، تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت را ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار دانسته است. از این منظر، بین ضابطان عام و خاص تفاوتی وجود ندارد. تخلف از مفاد این ماده، به موجب مفاد ماده ۶۳، موجب انفصال از سه ماه تا یک سال از خدمت خواهد شد.

## پاسخ سؤال ۴۴:

گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به تبصره ۱ ماده ۳۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در این ماده قانونگذار چنین مقرر داشته که علاوه بر آموزش اولیه برای صدور کارت ضابط، دادستان مکلف است به طور مستمر، دوره‌های آموزشی برای ضابطان برقرار نماید تا با آخرین تحولات قانون آشنا شوند و در هنگام انجام وظایف به کار گیرند.

## پاسخ سؤال ۴۵:

گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ «تخصصی کردن» وظایف ضابطان دادگستری بویژه درباره اطفال و نوجوانان از اهداف قانونگذار بوده است. منتهی چون در ماده ۲۸۵ و تبصره‌های آن چنین مقرر شده که تحقیقات مقدماتی جرایم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید بایستی نحوه انجام وظیفه درباره آنان به دو بخش مجزا تقسیم‌بندی کرد:

الف - در جرایم مشهود:

برابر تبصره ۲ ماده ۲۸۵، در جرایم مشهود، هر گاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند لیکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل و نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند.

ب - در جرایم غیرمشهود:

در این باره، ضابطان دادگستری فاقد هر گونه وظیفه‌ای هستند زیرا دادگاه اطفال و نوجوانان، رأساً تحقیقات مقدماتی را به عمل می‌آورد.

## پاسخ سؤال ۴۶:

گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به تبصره ماده ۳۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار برای اینکه مبانی پرونده کیفری بر مجرای صحیح و توسط متخصصان امر تنظیم شود، ارجاع آن را توسط مقام قضایی به غیر ضابطان، مستوجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار دانسته است. به استناد ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷، مجازات‌های انتظامی قضاوت سیزده درجه است که درجات یک تا چهار آن عبارتند از:

۱- توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی؛

۲- توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی؛

۳- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه؛

۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال.